

مکاتبات تاریخی

اخوانیات



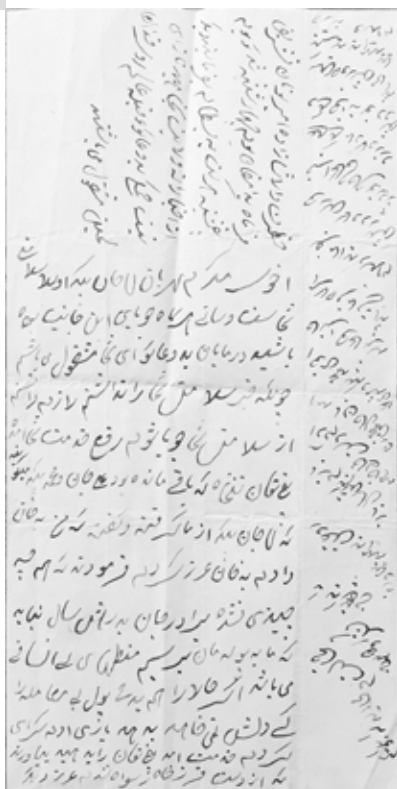
محمود اخوان مهدوی

مقدمه

گروهی از اسناد و مکتوبات قدیمی که غالباً جنبه‌ی غیررسمی داشته و گوینده (نویسنده) و مخاطب دارد، در گذشته اخوانیات نامیده می‌شدند و بعدها به طور کل عنوان «نامه» را بر آن نهادند که خود به گونه‌های فرعی‌تری نیز تقسیم می‌شوند. گاهی اوقات این نامه‌ها توسط اشخاص باسواد و فاضل نوشته می‌شد که غالباً به آن‌ها «مبرز» می‌گفتند و حتی گاهی دبیران حکومتی که به فن دبیری اشراف کامل داشتند نامه‌ها را می‌نوشتند، اما رفته رفته از اواخر دوره‌ی قاجار و به خصوص از دوره‌ی پهلوی اول، گاهی به دلیل دردسترس نبودن منشیان و میرزا بنویس‌ها، افراد عادی به نامه‌نگاری می‌پرداختند که معمولاً این گروه از نامه‌ها دارای غلط‌های املایی و انشایی فراوانی بودند، جالب این‌جاست که در دانش‌سندشناسی، این نامه‌ها دشوارترین اسناد از نظر پیاده‌سازی و رمزگشایی متن محسوب می‌شوند.

از اواخر دوره‌ی پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم با ترویج انتشار مطبوعات و انتشار متون عامیانه و هم‌چنین رواج ترانه‌های کوچه‌بازاری، نوع دیگری از نامه‌ها ظهور و بروز یافتند که در آن‌ها تمداً از ادبیات محاوره یا به عبارت دیگر ادبیات کوچه‌بازاری استفاده می‌شد.

در ادامه، متن و تصویر دو نمونه نامه؛ یکی با مشخصات نامه‌های «عامه‌نویس» و دیگری با مشخصات نامه‌های «عامیانه نویس» ارائه خواهد شد که خواندن آن‌ها خالی از لطف نیست.



نامه نخست

[نویسنده نامه «احمد» نام خطاب به آقاجان بیک
تویه ای ساکن شاهرود حدود سال های ۱۳۱۰ تا
۱۳۱۵ هجری]

اخوی مکرم مهربان آقاجان بیک اولاً سلامتی
شماست و سانی [ثانی] هرگاه جوابی این جانب
بوده باشید در میان بدوعاگوای [به دعاگوئی]
شما مشغول می باشم چونکه خبر سلامتی شما
را نداشتم لازم دانستم از سلامتی شما جويا شوم
رفیع (رضاقلی) خدمت شما آمده پنج تومان تنخواه
[تنخواه] که باقی مانده بود علی جان و محمد
بیک میگویند که آقاجان بیک از ما گرفته و گفته
که من به خان دادم به خان عرض [عرض] کردم
فرمودند که هم چه چیزی نشده برادر جان بدز
[بعد از] هشت [هشت] سال نباید که ما به پوله مان
برسیم منطهای [منتهای] بی انصافی [بی انصافی]
می باشد اگر حالا را هم بدحی! [بدهی!] پول
بی معامله را کسی دلش نمی خواهد [نمی خواهد]

بدهد باز ی [یه = یک] ادم کرای [کرایه] کردم خدمت آمد پنج تومان را بدهید بیاورند که
از دست قرزخواه [قرض خواه] رسوا [رسوا] شدم عرض [عرض] دیگر [دره امش:] خجالت م
می آید که بگویم که یک پنج من کشک و دو سه من روغن بدهید بیاورند باز بدز [بعد از]
هشت [هشت] سال باز آدم دست خالی خواهد [خواهد] آمد بان حال مختارید اخوی محمد
بیک و مشدی علی جانرا دوعا [دعا] برسد هرگاه فرمایشی باشد بفرمایید [بفرمائید] و سلام
[والسلام] دو رس [رأس] گاو در پیش خیرالحاج حاجی نوروزعلی یکی مادگاو زرد و یکی
جوانه نودوش سیاه ورش می باشد بگیریید بدهید بیاورند و سلام [والسلام]

حضرت والا شازاده امیرنویان تشریف فرما بدامغان یوم چهارشنبه شد گو یوم پنجشنبه حرکت
[حرکت] به بسطام بفرمایند دیگر از اخباراته ولایت بخاهید [بخواید] تازای [تازه ای] نیست
جملگی بدوعاگوء [به دعاگوئی] قبله عالم روی فدا العالمین [روحی و روح العالمین فدا]
مشقول می باشند

[ظهر ورقه:]

در تویه برادر مکرم آقاجان بیک برگشاید
[مهر بیضی کوچک: «عبد احمد»]

نامه دوم

[نامه ای از تهران خطاب به شخصی به نام اکبرآقا، مورخ ۱۳۱۵ خورشیدی]

قربون اکبرآقا

حاجی ماجی‌ها را ولشون کن - قربون تو که شب‌ها خوشی ذالک ذال ذالک - اکبرآقا هوای طهرون بقدری گرم قلم بدوات زده هنوز به کاغذ نرسیده خوشک میشه نمیدونم چه کنم - رستم ذال ذال ذالک - هیچ میدونی شب‌ها رو پشت‌بون با یک عباسی یخ چه قدر کیف داره - مال باغ ونک - اکبرآقا باید امشب باتفاق آقای چنگیزی و آقای نونهال بروید بیرون شهر گیلان اول بیاد مخلص - میوه قشنگ عیبیکه داره کالک - خوب است یکی دو گیلان هم به آقا کاظم کل و حاجی ماشیتی بدهید بدبخت‌ها حظی از دنیا برده

قربون اکبر
حاجی ماجی‌ها را ولشون کن - قربون تو که شب‌ها خوشی ذالک ذال ذالک - اکبرآقا هوای طهرون بقدری گرم قلم بدوات زده هنوز به کاغذ نرسیده خوشک میشه نمیدونم چه کنم - رستم ذال ذال ذالک - هیچ میدونی شب‌ها رو پشت‌بون با یک عباسی یخ چه قدر کیف داره - مال باغ ونک - اکبرآقا باید امشب باتفاق آقای چنگیزی و آقای نونهال بروید بیرون شهر گیلان اول بیاد مخلص - میوه قشنگ عیبیکه داره کالک - خوب است یکی دو گیلان هم به آقا کاظم کل و حاجی ماشیتی بدهید بدبخت‌ها حظی از دنیا برده باشند. حاجی ماجی‌ها را ولشون کن بلا را بخورند - قطع دارم ریش بریده حاجی شعبان خورده - اگر خورده نوش جونش اگر نخورده بلا را بخورد.

باشند. حاجی ماجی‌ها را ولشون کن بلا را بخورند - قطع دارم ریش بریده حاجی شعبان خورده - اگر خورده نوش جونش اگر نخورده بلا را بخورد.